

محمد المنصور

بررسی کتاب

آسیای مرکزی در سدهٔ شانزدهم^۱

ترجمهٔ حسین کریمی

این کتاب، نوشتۀ منصوره حیدر تاریخ دان بر جستۀ هندی، به تاریخ سدهٔ دهم / شانزدهم سرزینی اختصاص دارد که امروزه به نام ازبکستان شناخته می‌شود. این دوره تقریباً مقارن با دورۀ حکومت سلسلۀ شیبانیان / ۹۱۱-۱۰۰۶ق/ ۱۵۹۸-۱۵۰۵م است. به بیان دیگر، این کتاب دربارهٔ تاریخ شیبانیان ازبک است که تقریباً متجاوز از یک قرن برای حفظ و گسترش حکومتشان با رقبای داخلی و دشمنان خارجی ای که مظہرشان دو همسایهٔ قدرتند، ایران صفوی و هند گورکانی، مبارزه کردند.

امتیاز اصلی این تاریخ اتکا بر کتاب‌شناسی غنی، مشتمل بر منابع دست اول و عمدهٔ نسخه‌های خطی فارسی است. منصوره حیدر در مقدمهٔ کتابش بسیاری از این منابع را بررسی کرده است؛ منابعی که نه تنها مربوط به جنبه‌های صرفاً سیاسی‌ای است که او در تحلیلش برای آنها اولویت قایل است، بلکه به سازمان دیوانی و نظامی و اوضاع و احوال اجتماعی- اقتصادی و نظام خراج و دستاوردهای مهم فرهنگی نیز مربوط می‌شود. با وجود این، تاریخی که منصوره حیدر برای عرضه کردن برگزیده است، اساساً تاریخ رخدادهای سیاسی و نظامی است. به استثنای فصل آخر کتاب که به دستاوردهای فرهنگی ازبکان شیبانی اختصاص دارد، بقیه آن دربارهٔ لشکرکشیهای مهیجی است در اطراف و اکناف جلگه‌های آسیای مرکزی. کتاب برای مخاطب این تصور را پدید می‌آورد که تاریخ سدهٔ دهم / شانزدهم ازبکستان چیزی نیست جز جنگ دایی میان لشکرها یی که پیوسته از این سو به آن سوی آسیای مرکزی می‌تاختند. تاریخ حیدر، همانند گزارش‌های سنتی قرون وسطی، داستانی است دربارهٔ جنگهای منجر به پیروزی یا شکست. گویی نویسنده هیچ توضیح دیگری را لازم نمی‌شمارد. [از نظر نویسنده،] اینکه حاکمی می‌توانست به علت منش خوب و محبویتش در امپراتوری سلاطین مدید حکومت کند امری بدیهی است (ص ۶۲). جنگ بر ضد صفویان ایران با واژه‌های «چشم طمع داشتن» به سرزینهای همسایگان و «تعارض جاه طلبی» برآمده از رقابت سنتی و شیعه تعبیر شده است (ص ۱۲۸). درگیری نتیجهٔ جاه طلبیهای متعارض و دسیسه و رشک است. سقوط حاکم یا سلسله‌ای را اغلب در قالب فرماندهی بد یا نبود شجاعت نظامی تبیین کرده است.

در کتاب، به جنبه‌های دیگر تاریخ ازبکان در سدهٔ

Mansura Haidar, *Central Asia in the Sixteenth Century*, New Delhi: Manohar Publisher, 2002. 404 pp.
.ISBN 81-7304-462-7



(1) Marshall
Hodgson

درج نشده است. مثالهای دیگری از اقوال بدون ارجاع را می‌توان در جای دیگری یافت (ص ۳۳۱). شاید این گونه عیوب فنی در حد خود مهم نباشد؛ اما آن طور که این خلدون بیش از شش قرن پیش به ما آموخته، تاریخ علمی است که بر انتقال تحقیق پذیر استوار است. □

پی‌نوشتها

1. این مقاله ترجمه‌ای است از: “Book Review: Central Asia in the Sixteenth Century”, Reviewed by Mohamed El Mansour (Mohammad V University, Rabat, Morocco), in: *Sixteenth Cent Journal*, vol. 35, no. 4 (Winter 2004), pp.1191-1192.

دهم / شانزدهم چگونه پرداخته می‌شود؟ درباره جنگیدن سپاهیان؟ در آن دوره از چه سلاحهایی استفاده می‌کردند؟ آیا پس از به کارگیری اسلحه گرم، فنون جنگی تازه‌ای مطرح شد؟ از اینها گذشته، قرن دهم / شانزدهم آغاز دوران مدرن است (و به رغم آنچه مکرراً در کتاب آمده، به هیچ روی بخشی از قرون وسطاً نیست). این دوره شروع عصر جدیدی است که تاریخ‌دان فقید، مارشال هاجسون،^(۱) آن را «عصر امپراتوریهای باروت» نامید. کتاب درباره اینکه اروپاییان مسیرهای دریایی جدیدی به سمت آسیا کشف کردند و تأثیر این کشف بر تجارت و اقتصاد آسیا چه سخنی دارد؟ در حالی که در کتاب ذکری از فنون جدید نظامی در قرن دهم / شانزدهم نشده، مؤلف چند جمله (ص ۲۹۹) را به تجارت دریایی اروپاییان و تأثیر آن بر اقتصاد آسیا اختصاص داده و می‌گوید «هنوز این موضوع جای بررسی کامل دارد». نویسنده به بیماریهای فراگیر و بلایای طبیعی در کل قرن، در حد پاراگرافی کوتاه (ص ۳۰۱) پرداخته و کمتر از هشت صفحه (ص ۵۸-۵۳) ۲۹۷-۲۹۶ را به مسایل اقتصادی و مالی امپراتوری اختصاص داده است. با وجود این مؤلف بلافضله به دنبال بیش از ده فصل درباره مسائل جنگی، فصلی کامل (فصل ۱۴) را به مسائل فرهنگی اختصاص داده است. اما دستاوردهای فرهنگی چگونه پدید می‌آید؟ بدیهی است که این دستاوردها محصول اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی، رفاه و سایر آسایش مادی دست‌کم در آن حد که نخبگان تجاری و سیاسی از آن برخوردار بودند. وضع کشاورزی و تجارت در قرن دهم / شانزدهم چگونه بود؟ منابع درآمدی که دولت بدانها وابستگی داشت چه بود؟ خصوصاً نبود تشریح دقیق ماهیت نظام خراج در این کتاب مایه تأسی است. در واقع، درباره این مسائل در کتاب مذکور چندان چیزی نمی‌باییم. اما می‌توانیم امید داشته باشیم که وقتی مؤلف شش کتاب دیگر درباره آسیای مرکزی را که در دست چاپ دارد، به طبع برساند، اطلاعات بیشتری بدست آوریم.

در خاتمه باید مطلبی را در خصوص روش تحقیق علمی گفت که نویسنده در این تحقیق همواره آن را پاس نداشته است. اقوال چندی از این خلدون نقل کرده است (ص ۵۸) بی‌آنکه در پانوشت مرجع آنها را یاد کند. حق نام این تاریخ‌دان مشهور مسلمان در کتاب‌شناسی هم